



نگاهی اجمالی به آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان

هنوز به بحران نرسیده‌ایم



برای مشاهده فیلم
بروید و اسکن کنید

ایران

۲۲۳

ایران سراسر



سoghra افشین‌فر
روان‌شناس

۵۸۲ هزار نفر از زنان تشکیل می‌دهند. مدت‌هاست برخی فعالان اجتماعی زنگ خطر زبانه شدن آسیب‌های اجتماعی را نواخته‌اند و اگرچه هنوز در بحث آسیب‌های اجتماعی زنان به مرز بحران نرسیده‌ایم، اما باید توجه داشته باشیم که عدم توجه به این موضوع زنان را در معرض آسیب‌های بیشتر قرار خواهد داد. علائم هشداردهنده‌ای نظیر افزایش نرخ ارتکاب به جرائم به توجه به رشد جمعیت، افزایش تنوع جرائم، کاهش سن ارتکاب به جرائم در میان زنان و ارتکاب علنی بسیاری از جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی نشان می‌دهد که سنگ بنای اجتماع یعنی خانواده و نیز زنان به عنوان مادران آینده و پرورش دهندگان نسل آتی در معرض آسیب‌هایی قرار دارد.

آسیب‌های اجتماعی، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری است که ریشه در بی‌نظمی‌ها، کژکارکردی‌های پدیده‌های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب افراد جامعه دارد. جامعه‌شناسان معتقدند، ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی در تمام اعصار و جوامع وجود داشته، اما در برخی از شرایط، با گسترش دامنه این ناهنجاری‌ها، معضلاتی ایجاد می‌شود. بر اساس آخرین محاسبات مرکز آمار ایران، جمعیت کشور در آبان سال ۱۴۰۳ حدود ۸۵ میلیون و ۹۶۱ هزار نفر برآورد شد که ۴۳ میلیون و ۳۷۲ هزار نفر را مردان و ۴۲ میلیون و

خشونت خانگی، مهم‌ترین آسیب

حوزه زنان

خشونت خانگی یکی از بحران‌های جدی اجتماعی و حقوقی است که پیامدهای عمیقی برای جامعه دارد. چندی پیش یکی از مسئولان سازمان بهزیستی گفته بود: «بیشترین تماس‌ها با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی در زمینه همسرآزاری و اختلافات زناشویی است که نسبت به بقیه آسیب‌ها رتبه بالایی دارد» درباره وضعیت خشونت علیه همسران که غالباً شامل زنان می‌شود طی سال‌های اخیر آمار گوناگونی منتشر شده است، از جمله اواخر تابستان ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران گزارش داد ۹۶ درصد از مجموع ۸۰ هزار و ۱۸۷ مورد معاینه مدعیان همسرآزاری جسمی پزشکی قانونی طی سال ۹۹ به زنان مدعی همسرآزاری جسمی معطوف می‌شود و سهم مردان در این بین ۴ درصد است. البته خشونت علیه زنان مسأله‌ای جهانی است که به دلایل متعدد اجتماعی، روانی، فرهنگی و... اتفاق می‌افتد. طبق آماري که OECD (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) منتشر کرده کشورهای ترکیه، آمریکا و نیوزلند در صدر رتبه‌بندی آمار خشونت علیه زنان هستند. دکتر زینب نصیری، مددکار اجتماعی و مشاور امور اجتماعی وزیر بهداشت با بیان اینکه بهتر است زنان را قربانیان شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بدانیم، به «ایران» می‌گوید: «موضوعاتی که حالا به عنوان آسیب اجتماعی مطرح می‌شود، در واقع دلایل کلانی دارد که زنان را تبدیل به قربانیانی در جامعه می‌کند. متأسفانه در ایران یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث آسیب‌دیدگی زنان می‌شود خشونت‌های خانگی است. زنان گاهی در خانه با انواع آزارهای جنسی، جسمی، روانی و حتی اقتصادی روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آنها آسیب‌های روانی است. بسیاری از مواقع خشونت جسمی رفع می‌شود و آثار آن از بین

می‌رود اما خشونت روانی باقی می‌ماند و به آسیب‌های دیگری تبدیل می‌شود. بنابراین ممکن است گاهی خشونت را داشته باشیم و بعد با انواع آسیب‌های دیگر مثل فرار دختران یا اعتیاد مواجه شویم.» اما آسیب‌دیدگی ناشی از مشکلات سلامت باروری و مشکلاتی که برای زنان به واسطه عدم دسترسی به خدمات بهداشتی یا تبعیض و نابرابری در استفاده از خدمات وجود دارد، مورد دیگری است که این مددکار به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرگ و میر ناشی از زایمان مختص زنان است یا مشکلاتی که ناشی از برخی سیاست‌گذاری‌ها برای زنان است و متأسفانه در این سیاست‌گذاری‌ها نیازهای واقعی زنان دیده نمی‌شود از جمله آسیب‌های زنان به شمار می‌رود.»

آسیب‌های فقر زنان

رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر، طیف وسیعی از مسائل و مشکلات در موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سلامت و مهارتی را در پی داشته است. بسیاری از خانوارهای نیازمند با سرپرست زن، به دلیل فقدان سرپرست، فوت، از کار افتادگی، طلاق، معلولیت و بیماری سرپرست یا استیصال و درماندگی مورد حمایت دستگاه‌ها، نهادها و مؤسسات حمایتی قرار می‌گیرند و زن در خانواده مسئولیت تأمین هزینه‌های خانوار را بر عهده می‌گیرد. بر اساس آخرین داده‌های سرشماری مربوط به سال ۹۵ تعداد کل خانوارهای زن سرپرست در کشور، ۲ میلیون و ۶۵ هزار خانوار بوده که با توجه به گذشت ۸ سال از آخرین سرشماری (۱۳۹۵)، تاکنون به طور مسلم تعداد زنان سرپرست خانوار به واسطه مرگ و میرهای ناشی از تصادفات شوهران‌شان، مرگ و میرهای ناشی از بیماری‌ها و کرونا، بیکاری، طلاق و... افزایش

یافته است. نصیری معتقد است: «یکی از موضوعاتی که می‌تواند برای زنان منجر به آسیب شود و شرایط پیچیده‌تری را برای آنها در جامعه ایجاد کند، فقر زنان است. به هر حال زنان به نسبت مردان معمولاً محدودیت بیشتری در دسترسی به فرصت‌های شغلی دارند. نه فقط در کشور ما بلکه در کل جهان، زنان به خاطر تبعیض و نابرابری‌هایی که وجود دارد، دستمزدهای پایین‌تری نسبت به مردان دریافت می‌کنند. به همین دلیل در کشورمان فقر زنان در میان زنان سرپرست خانوار خود را جدی‌تر نشان می‌دهد و چالش‌های بیشتری را ایجاد می‌کند و این لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های دقیق و منسجمی را می‌طلبد.»



تغییر شرایط زنان با همکاری همه جانبه دولت و نهادهای مدنی

دکتر مصطفی آبروشن

جامعه‌شناس

به فرصت‌های شغلی برابر، با مشکلات مالی مواجه‌اند. این نابرابری اقتصادی می‌تواند به وابستگی مالی و آسیب‌پذیری بیشتر در زنان منجر شود. ناگفته نماند که آسیب‌های اجتماعی زنان در جامعه ایران ریشه در عوامل مختلفی دارد. به‌طور کلی در جوامعی که در ساختارهای فرهنگی به مردان برتری می‌دهند و زنان را در موقعیت‌های ضعیف‌تری قرار می‌دهند، یکی از عوامل اصلی ایجاد این آسیب‌هاست. سیستم‌های آموزشی نیز بی‌تأثیر نیستند، در جوامعی که نظام آموزشی زنان را از فرصت‌های برابر محروم می‌کند، نقش بسزایی در شکل‌گیری آسیب‌ها دارد. اگر بخواهیم از منظر حقوقی واکاوی کنیم درمی‌یابیم که قوانین ناکافی یا اجرا نشدن صحیح قوانین مربوط به حقوق زنان همانند

آسیب‌های اجتماعی زنان یکی از چالش‌های اساسی در جامعه ایران است. این آسیب‌ها نه تنها بر زندگی فردی زنان تأثیر گذاشته، بلکه بر ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور نیز سایه افکنده است. یکی از بارزترین آسیب‌های اجتماعی که زنان در جامعه ایران با آن مواجه‌اند خشونت‌های خانگی است. این پدیده ریشه در نابرابری‌های جنسیتی و فرهنگ مردسالارانه دارد. خشونت علیه زنان در جوامع در حال گذار از سنتی به مدرنیته پررنگ‌تر است و معمولاً به علت زمینه‌های عرفی، سنتی و خالهای قانونی برخورد با نگاه خشونت‌ورزانه مردان را با مشکل جدی مواجه کرده است. بسیاری از زنان به دلیل نداشتن دسترسی

ازدواج اجباری و کلیشه‌های

جنسیتی

ازدواج دختران زیر سن قانونی یکی از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در کشورمان است. همان‌طور که نصیری می‌گوید: «یکی دیگر از مسائل جدی که در سال‌های اخیر زیاد شنیده‌ایم و متأسفانه همچنان وجود دارد ازدواج اجباری یا کودک‌همسری است. وقوع این آسیب بیشتر ناشی از فقر فرهنگی است. یعنی وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در این خانواده‌ها عامل فقر فرهنگی، سنت‌های قبیله‌ای و نگاه ابزاری به زن به چشم می‌خورد. یکی از موضوعاتی که به نظرم در انواع آسیب‌هایی که زنان با آن درگیر هستند و به آسیب تبدیل شده، طرد اجتماعی و بدنامی زنان است. زنان به نسبت مردان چه از درون خانواده و چه داخل جامعه برجسب می‌خورند و طرد می‌شوند. همین برجسب‌زنی باعث می‌شود آنها را نپذیرند و به همین دلیل فرآیند بازگشت به خانواده و جامعه در ارتباط با زنان آسیب‌دیده به خوبی انجام نمی‌شود، بنابراین باید حواسمان باشد که چه بسترهای فرهنگی، چه شرایط و باورهایی در سطح جامعه وجود دارد که زنان و دختران را به سمت قربانی شدن در هر کدام از آسیب‌ها سوق می‌دهد.»

دختران بازمانده از تحصیل

یکی دیگر از آسیب‌هایی که ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست و باعث گسترش آسیب اجتماعی در آینده خواهد شد، مسأله ترک تحصیل دختران و دختران بازمانده از تحصیل است. براساس آخرین آماری که کاظمی، وزیر آموزش و پرورش ارائه کرده حدود ۷۵۰ هزار کودک در هر سه دوره آموزشی از تحصیل بازمانده‌اند که سهم دختران بیشتر است. به نظر



خشونت خانگی یکی از بحران‌های جدی اجتماعی و حقوقی است که پیامدهای عمیقی برای جامعه دارد. چندی پیش یکی از مسئولان سازمان بهزیستی گفته بود: «بیشترین تماس‌ها با خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی در زمینه همسرآزاری و اختلافات زناشویی است که نسبت به بقیه آسیب‌ها رتبه بالایی دارد»

نصیری «بسیاری از پژوهش‌های مبتنی بر شواهد نشان می‌دهد که آغاز حرکت فرد به سمت انواع آسیب‌های اجتماعی از ترک تحصیل و خارج شدن از محیط مدرسه و پیوندهای عاطفی و ارتباطی که داخل مدرسه داشته شروع می‌شود. این یکی از مؤلفه‌های مهمی است که باعث آسیب‌دیدگی دختران می‌شود، به نظرم آنها قربانی شرایط و سیاست‌گذاری‌های نادرست می‌شوند.» اما فرار دختران از خانه که طی دهه‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده‌ایم، در شهرهای مختلف و طی ادوار گذشته نرخ متفاوتی داشته و یکی از موضوعات مهمی است که اگر به آن پرداخته نشود، می‌تواند دروازه ورود دختران به انواع آسیب‌ها باشد. این مددکار اجتماعی می‌گوید: «فرار دختران متأثر از عوامل مختلفی مثل مشکلات خانوادگی، پیوندهای عاطفی و ارتباطی ضعیف درون خانواده، خشونت احتمالی درون خانواده، تبعیض، محدودیت یا آزادی مطلق است که در خانواده‌ها وجود دارد.» شکی نیست که فرار از خانه زمینه‌ساز آسیب‌های بعدی مثل بی‌خانمانی و اعتیاد

خواهد بود. دختری که از خانه فرار می‌کند به زن خیابانی تبدیل شود که آسیب دیگری در جامعه است. نصیری معتقد است: «سرقت و نکدی‌گری زنان، استفاده از زنان خیابانی در توزیع مواد مخدر یا سایر اقدامات مجرمانه، همه در پیوند با همدیگر است.»

لزوم اصلاح برخی قوانین

تبعیض‌ها و نابرابری‌های قانونی و حقوقی مورد دیگری است که زنان با آن روبه‌رو هستند. نصیری می‌گوید: «گاهی سیاست‌گذاران توجه ندارند مسائل و نگرانی‌هایی که امروز در ارتباط با نهاد خانواده مطرح است ناشی از قوانین ناکارآمد و اصلاح نشده‌ای است که مقاومت‌هایی را در زنان و دختران ایجاد می‌کند. برای همین نیازمندیم قوانینی که در این حوزه وجود دارد، اصلاح شوند.»

چه باید کار کرد؟

این مددکار اجتماعی با تأکید بر امر پیشگیری و ذکر این نکته که در کشور ما نگاه به پیشگیری معادل آموزش قلمداد می‌شود، می‌گوید: «آموزش هم معادل یک‌سری از دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آموزشی و تبلیغات محیطی است. تصور می‌کنیم که آموزش می‌تواند پیشگیری را محقق کند، اما پیشگیری باید در سه مرحله و تحت عنوان پیشگیری موقعیتی، پیشگیری مبتنی بر جامعه و پیشگیری رشدمدار دنبال شود. ابتدا باید تلاش کنیم افراد دچار آسیب نشوند و اگر به دلایل مختلف دچار آسیب شدند، بتوانیم در مراحل اولیه پیشگیری کنیم تا حادثه رخ ندهد. مثلاً اگر با وجود فعالیت‌هایی که انجام داده‌ایم با مسأله فرار دختران مواجه شدیم، بتوانیم امکان بازگشت آنها را به خانواده و جامعه فراهم کنیم و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که تعریف می‌کنیم اثرگذار باشند.»

زنان و جلوگیری از خشونت علیه آنهاست. نکته بعدی فراهم کردن شرایط شغلی مناسب برای زنان و تشویق کارفرمایان به استخدام زنان در جامعه است. باید از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی تلاش شود تا تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به نقش زنان در خانواده و جامعه به وجود آید. در نهایت، تغییرات باید در وضعیت زنان نیازمند همکاری همه‌جانبه دولت، نهادهای مدنی و جامعه است. تنها با ایجاد یک محیط حمایتی و برابر می‌توانیم به سوی جامعه‌ای عادلانه حرکت کنیم که در آن زنان بتوانند بدون ترس از آسیب‌های اجتماعی، زندگی کنند.



موج موافق به تداوم این آسیب‌ها کمک می‌کند، با وجود تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر برای کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان انجام شده است، اما متأسفانه هنوز شاهد تداوم این مشکلات هستیم. عواملی همچون مقاومت فرهنگی، تغییر نکردن نگرش‌های اجتماعی و کمبود منابع برای حمایت از زنان باعث شده‌اند که این آسیب‌ها همچنان پابرجا بمانند. برای کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان در جامعه، نیاز به اتخاذ راهکارهای اساسی داریم. اولین اقدام ترویج آموزش‌های جنسیتی و حقوقی در مدارس برای افزایش آگاهی زنان و مردان درباره حقوق و مسئولیت‌های شان است. مرحله بعدی ایجاد و اجرای قوانین مؤثر برای حمایت از حقوق

